

معاد و رستاخیز

انرژیها!

* هر کبریتی که آتش می‌زنیم و انرژی حرارتی خاصی که از آن آزاد می‌شود، رستاخیزی را با چشم خود می‌بینیم، گرما و حرارتی که شاید پنجاه سال پیش از خورشید جدا شده و همه گمان کردند نابود گردیده اما بطور مرموزی در دل این چوب کبریت ذخیره شده و الان رستاخیز او است .

* و آن قطره نفت یا بنزینی که آتش می‌زنیم و انرژی حرارتی از آن آزاد می‌گردد ، به احتمال قوی گرمائی است که میلیونها سال قبل از خورشید جدا شده ، و به گونه اسرار آمیزی در اعماق زمین در این مواد، قرار گرفت و اکنون ناظر رستاخیز آن هستیم ! .

* چگونه قرآن در بحث معاد برای ترسیم صحنه‌هایی از آن در این دنیا به این موضوع اشاره میکند و رستاخیز انرژیها را با مثال جالبی در برابر دیدگان ما مجسم می‌سازد ؟

* لطفاً این مقاله را با دقت مطالعه فرمائید .

سرچشمه تمام انرژی‌هایی که روی زمین وجود دارد (به جز انرژی اتمی) همه از آفتاب است. این سخن نه اغراق آمیز است و نه مبالغه، بلکه يك واقعیت است.

بعنوان مثال همه سرچشمه‌های انرژی زار مورد بررسی قرادمی دهیم، زغال سنگ، نیروی برق، بادها، حیوانات و انسان و موجودات زنده به طور کلی، که هر کدام از خود تولید انرژی می‌کنند، و چوبهای درختان،

هنگامیکه تاریخچه هر يك را ورق می‌زنیم به عامل اصلی که نور آفتاب است برخورد می‌کنیم:

۱- «**زغال سنگ**» چنانکه از نامش پیداست باقیمانده جنگلها و درختان اعصار و قرون پیشین است که بر اثر حوادث گوناگون که بر کره زمین گذشته است در اعماق زمین مدفون شده، و با گذشت زمان و تحت شرایط مخصوص، تبدیل به «زغال روسیاه» شده و بزودی خواهیم دانست که انرژی ذخیره شده در درختان از نور آفتاب می‌باشد.

۲- «**نفت**» طبق آخرین نظریه‌ها از باقیمانده حیوانات کوچک و بزرگ دریایی اعصار گذشته است که بر اثر تغییر شرایط جوی و ارضی در اعماق زمین دفن شده‌اند، و لاشه‌های آنها پس از فعل و افعالات مختلف، با قدرت نمائی عجیب دستگاه آفرینش؛ تبدیل به این **طلای سیاه مذهب** گردیده که می‌گویند چند هزار نوع فرآورده دارد که هر يك از دیگری جالبتر و مفیدتر است. و بزودی خواهیم دانست که سرچشمه پیدایش حیوانات و مواد انرژی زای بدن آنها از دولت سرنور آفتاب

است.

۳- «**نور بینها**» و «**موتورهای مولد برق**» یا باید به وسیله فشار آب آشپزها و سد ها به حرکت درآیند، که ارتباطشان با نور آفتاب که عامل تبخیر آب دریاها و تشکیل ابرها و نزول باران می‌باشد روشن است؛ و یا به کمک مواد نفتی و امثال آن به جنبش درآیند که دیدیم آنها نیز به نوبه خود از نور آفتاب سرچشمه گرفته‌اند.

۴- «**حرکت بادها**» که عاملی برای حرکت باره‌ای از دستگاههای کوچک مانند آسیاب‌های بادی و یا کشتیهای بادبانی هستند؛ نیز بیش از همه چیز مربوط به نور آفتاب است که تابش آن بر نقاط مختلف کره زمین موجب اختلاف درجه حرارت می‌شود؛ و میدانیم اختلاف درجه حرارت دو نقطه از کره زمین موجب وزش باد است.

۵- «**حیوانات**» که منبعی از انرژی محسوب می‌شوند، بدون «گیاهان» نمی‌توانند زندگی کنند زیرا هر حیوانی (معمولا) یا گیاه خوار است، یا از گوشت حیواناتی که گیاه خوارند، تغذیه می‌کند، حتی حیوانات دریائی که از گیاهان بسیار کوچک دریائی بنام «**دیاتمه**» و «**پلانکتون**» ها تغذیه می‌نمایند، از این قانون مستثنی نیستند.

۶- پرورش **گیاهان و درختان** بدون استفاده از نور آفتاب (خواه به صورت تابش مستقیم یا تابش غیر مستقیم) ممکن نیست به همین دلیل در اعماق دریاها آنجا که نور آفتاب نمی‌تابد (عمق ۶۰۰ متر به پایین) مطلقاً گیاهی نمی‌روید.

البته موارد نادری از انرژی را می‌توان یافت که

قانونی در علم شیمی داریم که توضیح آن اساس بحث فوق را روشن می سازد و آن اینکه :

هر « ترکیب » و « تجزیه » شیمیائی از دو صورت بیرون نیست یا یک انرژی می گیرد یا آزاد می کند . مثلاً هنگامی که میخواهیم چند قطره آب بدست آوریم مقداری « اکسیژن » و « هیدروژن » را در

شیشه محکم و خشکی می کنیم؛ اما می بینیم با هم ترکیب نشدند ، و تشکیل آب ندادند ، يك کبریت روشن می کنیم و در دهانه شیشه نگاه میداریم، صدای عظیمی که بی شباهت به صدای انفجار مواد منفجره نیست، بلند می شود؛ و این دو عنصر دست به گردن هم انداخته و درهم فرو میروند و ترکیب می شوند؛ و به صورت قطرات آب در اطراف شیشه ظاهر می گردند؛ از اینجا نتیجه می گیریم که :

آب = حرارت + اکسیژن + هیدروژن
ممکن است سالها این آب را در شیشه دربسته ای نگهداریم اما به هنگامی که آن را با وسائل مخصوص آزمایشگاهی تجزیه می کنیم می بینیم علاوه بر اینکه « اکسیژن » و « هیدروژن » سابق بدون کم و کاست برگشت، « حرارت » آن يك کبریت هم بازگشت نموده؛ و دستگاه تجزیه کننده ما را داغ کرد !

در صورت اول می گوئیم ترکیب شیمیائی ما یک انرژی گرفت؛ و در صورت دوم می گوئیم تجزیه شیمیائی ما انرژی را آزاد کرد .

اکنون برگردیم به بررسی « چوب درختان » : مطالعات شیمیائی روی آن به ما می گوید که آنها ترکیبی هستند از اکسیژن و هیدروژن و کربن و مقداری املاح مختلف .

از نور آفتاب سرچشمه نگیرد، مانند انرژی حاصل از **جزر و مد دریاها** بوسیله جاذبه ماه که در باره ای از موارد برای آبیاری ، و تولید برق مورد استفاده قرار می گیرد ، و همچنین انرژی مهار نشده **آتشفشانها** و امثال آن، ولی همانطور که گفتیم، اینها بسیار نادرنند .

گرمی آتش از آفتاب است !

درست است که می گویند گرمی آتش از خود اوست؛ و از يك نظر هم صحیح است؛ زیرا هر کجا آتشی هست گرم و سوزان است و اگر سوزندگی و حرارت از آتش گرفته شود؛ دیگر آتش نیست، و به اصطلاح این کیفیت از خواص ذاتی آتش محسوب می شود .

ولی از سوی دیگر اگر درست بنگریم این گرمی يك روز در دل خورشید بود که وسیله تابش آفتاب به زمین انتقال یافت و در دل چوب درخت به طرز مرموزی جای گرفت، و گذشت ماهها و سالها و نزول صدها برف و باران بر درخت نتوانست آن را خاموش کند .

و به عبارت ساده تر: اگر چوب کبریت شعله ای برای آتش زدن يك سیگار بیرون می فرستد و یا در حریق مدهشی در يك جنگل یا يك انبار چوب عظیم، انرژیهای حرارتی فوق العاده ای پخش می گردد ، همه ذخایری است که در طی دهها یا صدها یا هزاران سال آرام آرام از نور آفتاب گرفته شده، و چون يك مرتبه آن را بیرون میدهند با چنان صحنه ای روبرو می شویم **خواهید گفت چطور ؟ ...**

فلن آن به اکسیژن و فیدرون (یعنی آب) و آزاد
فلن کربن، و ترکیب آن با اکسیژن هوا، همان
حواث ذخیره شده آفتاب را که سالیان
در ارض من عمل «کربن گیری» در خود انداخت،
یکباره بیرون می فرستد



در پایان این سخن يك نکته را فراموش نکنید که
درخت مادام که سبز و زنده است و مصداق
«شجر اخضر» می باشد عمل کربن گیری و ذخیره
نور آفتاب را انجام میدهد و هنگامی که بخشکد
کاربون را از او ساخته نیست .



اکنون که این بحث روشن شد، باز گردیم به
قرآن مجید و ببینیم چگونه معاد و رستاخیز انرژیا
را با همین مثال در برابر ما مجسم می کند .

(پتیه در شماره آینده)

املاح را که میدایم از زمین گرفته اند و اکسیژن
و فیدرون را هم از آب. باقی میماند «کربن» -
آنرا هم از هوا بدست آورده اند .

زیرا یکی از گازهای موجود در هوا
گاز کربنیک است که ترکیبی از «اکسیژن» و
«کربن» می باشد .

سلولهای درختان در پرتو نور آفتاب این گاز را
تجزیه کرده «کربن» آنرا به خود جذب می نمایند؛
و اکسیژن آنرا آزاد می کنند (همین دلیل می گوئیم
درختان هوا را تصفیه می کنند و اکسیژن به ما میدهند؛
و جنگلها و فضای سبز شهرها ؛ برای مردمش حیات
آفرینند)

ولی فراموش نکنید که گفتیم «در پرتو نور
آفتاب» این جمله بر معنی است یعنی هنگام پرورش
درختان و تشکیل سلولز گیاهی و ترکیب مرموز
مقدادی انرژي آفتاب نیز در درخت ذخیره می شود و
طبیعی است به هنگام سوختن چوب درخت و تجزیه

افزایش مالیات نوشابه های الکلی

ایرانی ها بابت نوشابه های الکلی ۲۶۹ میلیون و ۷۰۰ هزار
تومان در سال مالیات میدهند . این رقم که مربوط به درآمد دولت از
مالیات نوشابه های الکلی در سال آینده است . دو برابر مالیاتی است که در سال
گذشته پرداخت شده است .

مکتب اسلام ... دوماه برابر این مالیات را باید روی آن گذارد تا با
آثار سوء بهداشتی و اجتماعی و زیانهای ناشی از جنایات و تصادفات مربوط به
آن جلوگیری کرد و این است معنی «واللهما اکبر من نعمهما»